

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده  
شهر اسن - المان  
۲ سپتمبر ۲۰۰۹

## شکوه

( ۶ ) در المان :

{ ص }

حاجی رجب گفت که ای مؤمنین  
گفته ای دارم ز کتابِ مبین  
هر چه که باشد به درونِ بهشت  
خالقِ عالم ، به مسلمان نوشت  
وای رجب ، پندِ بزرگان شنو  
قصه ای از رحمتِ یزدان شنو  
ای همه مسلمین و مسلمات  
وی همه مؤمنین و مؤمنات  
ای همه صادقین و صادقات  
وی همه صابریین و صابرات  
وای رجب ، پندِ بزرگان شنو  
از همه مؤمن و مسلمان شنو  
ای همه خاشعین و خاشعات

وی همه صائمین و صائمات  
وعده چنین است ، ز ربّ کریم  
مغفرت و بر همه ، اجرِ عظیم  
وای رجب ، پندِ بزرگان شنو  
از همه مؤمن و مسلمان شنو  
لیک ، مواظب که زمان آخر است  
کارِ جهان دستِ همه کافر است  
آنکه به چپ رفت ، شد از ما جدا  
راست اگر ماند ، چو ما با خدا  
وای رجب ، مُهرِ بزرگان نگر  
بر همه مؤمن ز مسلمان نگر  
آن یکی زرتشتی و آتش پرست  
دیگری صوفی و ، ره حق بیست  
آن یکی خوابیده چو اهلِ هنود  
دیگری جمع کرده چو قومِ جهود  
وای رجب ، مُهرِ بزرگان نگر  
تاپه به پیشانیِ افغان نگر  
آن یکی برگشته ، مسیحی شده  
دیگری پیش رفته ، بهائی شده  
آن یکی جا مانده مسلمان ببین  
خاتمی بر حُجّتِ قرآن ببین  
وای رجب ، مُهرِ بزرگان نگر  
تاپه به پیشانیِ افغان نگر

## شِکوه

( ٦ ) در آلمان :

{ ق }

بعدِ دعا گفت ، زمان آخر است  
قسمت و تقدیرِ جوان ، کافر است  
هر کسی گر پُرسشی دارد ز دین  
پاسُخی از من شنود ، با یقین  
وای رجب ، مُهرِ بزرگان نگر  
بر همهٔ پیر و جوانان نگر  
**بقیه دارد**